KAYNAK: T. Yazıcı-A. N. Tokmak-M. Kanar, ***Eski İran Nesrinden Seçmeler***, **s. 42**

(حکمت) حکیمی با پسر خود گفت: باید که بامداد از خانه بیرون نیآیی تا نخست لب بطعام نگشایی زیرا که سیری تخم حلم و بردباریست و گرسنگی مایۀ خشک مغزی و سبکساری.

**تخم = مایه**

**خشک مغزی** : خشک +مغز+ی: تندخویی inatçılık

**سبکسار** : فرومایه، بی خرد؛ خوار

قطعه

خوی خود را ز روزه تیز مکن کز همه حلم و بردباری به

چون شود روزه مایۀ آزار روزه خواری ز روزه داری به

چون گرسنه باشی هر آش و نان که بینی از طبیعت تو شهوت آن خیزد و بآشنایان که نشینی طامعۀ تو در ایشان آویزد.

طامعه: طمع‌کاری، آز

قطعه

هرچه یابی بخانه از تر و خشک به کز آن تا حد شِبع بخوری

تا طعام کسان هوس نکنی وز عطای خَسان طمع ببری

**شِبع: سیری ، سیر شدن**

**خَسان: خس : خار و خاشاک ؛ مج: زبون، فرومایه، پست**

(حکمت) چون میزبان بر کنار خوان نشیند و خود را در میان بیند، طعمه از جگر خوری به که از نان او و شربت از خون آشامی به که از خوان او.

به که از : از آن بهتر است

**طعمه: خوراک، نواله، yem**

قطعه

هرکه گوید خوان و نان من بکش پای خویش از خوان و دست از نان او

تَرّۀ کز بوستان خود خوری خوشترست از بَرّۀ بریان او

**تَرّۀ : ترّه‌ای**

(حکمت) پنج چیز است که بهر کس که دادند زمام زندگانئ خوش در دست وی نهادند: اوّل صحّت بدن، دوم ایمن، سیم سِعَتِ رزق، چهارم رفیق شفیق، پنجم فراغت. و هر کرا ازین محروم کردند در ِ زندگانئ خوش بروی وی بر آوردند.

**سِعَت: فراخی، گشادگی ؛ فراغت: بی نیازیgönül tokluğu, vazgeçebilme, fedakârlık ؛**

**هرکرا: هر که را**

KAYNAK: T. Yazıcı-A. N. Tokmak-M. Kanar, ***Eski İran Nesrinden Seçmeler***, **s. 54-56**